

آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

Newsweek

به قطعنامه ساز مان ملل در باره یمن پایبندیم

امیرسعید ایروانی، سفیر ایران در سازمان ملل متحد روز جمعه مصاحبه‌ای با نشریه نیوزویک داشته که اهم آن را در ذیل می‌خوانید:

اقدامات آمریکا و انگلیس در حمله به یمن، نقض آشکار حاکمیت ملی، نقض قوانین بین‌المللی و نقض منشور سازمان ملل است که در نهایت به منزله اعلام جنگ علیه مردم یمن است. این تهاجم نظامی نشان‌دهنده موفقیت لابی‌های رژیم اسرائیل در واشنگتن برای کشتاندن ایالات متحده به جنگ مستقیم و تشدید سرایت درگیری‌ها به سایر بخش‌های منطقه است. به‌رغم اینکه رژیم اسرائیل در دستیابی به بسیاری از اهداف اعلام‌شده خود در جنگ غزه، ناتوان بوده، اما به دنبال بحرانی گسترده‌تر از درگیری غزه است تا به اصطلاح نجات چهره‌اش از باتلاق فعلی را تسهیل کند. خواسته‌های رژیم اسرائیل از ایالات متحده فراتر از یک درخواست صرف برای تسلیحات، اطلاعات، حمایت مالی و سیاسی است. در عوض، تمایل به مشارکت مستقیم در جنگ را در بر می‌گیرد و به دقت در این خصوص تقسیم کار شده است. به‌طور خاص، رژیم درگیری‌ها در غزه، لبنان و سوریه را ذیل صلاحیت خود در نظر گرفته، در حالی که جنگ در عراق و یمن را به ایالات متحده مرتبط می‌داند. شواهد قانع‌کننده حاکی از آن است که رژیم اسرائیل به‌طور مؤثری مانور داده است تا ایالات متحده را در این درگیری‌ها وارد کند. ضرب‌المثلی هست که می‌گوید نمی‌توان خون را با خون شست. اینجا یک پرسش اساسی مطرح می‌شود: دریای سرخ چه زمانی به یک حوزه ناامن تبدیل شد و چه عواملی در این تغییر وضعیت نقش داشتند؟ پاسخ صریح مستقیماً به جنگ در حال وقوع در غزه برمی‌گردد. نگرانی‌های امنیتی پیرامون دریای سرخ به‌طور پیچیده‌ای با تحولات غزه مرتبط است. جزئیات دقیق چگونگی و چرایی این دگرگونی مستلزم بررسی جامع در زمینه رویدادهای جاری در نوار غزه است. در شرایطی که مکانیسم‌های بین‌المللی فقدان اراده و توانایی برای توقف جنایات جاری در غزه را نشان می‌دهند و این واقعیت که منطقه تحت محاصره شدیدی قرار دارد و منابع ضروری مانند سوخت و غذا برای مردم غزه دریغ می‌شود. غزه، در بحران انسانی شدید قرار گرفته است. در واکنش به این شرایط و خیم، جنبش انصارالله یمن با احساس وظیفه انسانی، نقش دفاع از ملت مظلوم فلسطین را برعهده گرفته است. این کشور اعلام کرده است که تمام خطوط کشتیرانی در آبراه دریای سرخ امن هستند، به استثنای کشتی‌های مرتبط با اسرائیل یا درگیر حمل و نقل کالا به اسرائیل یا از اسرائیل. این بیانیه، انصارالله یمن را به‌عنوان حامی اصول بشردوستانه معرفی می‌کند که به دنبال دفاع از مردم مظلوم فلسطین است. با این حال، با توجه به تجاوزات اخیر در یمن، پیش‌بینی می‌شود که هر کشوری که در این تهاجم نظامی یا خصومت‌های بعدی شرکت می‌کند، ممکن است خود را در معرض خطر بالقوه قرار دهد یا به‌عنوان یک هدف عملیاتی موجه از سوی جنبش انصارالله تلقی شود. ما قطعنامه تحریم تسلیحاتی تحمیل شده بر یمن را ناعادلانه و ظالمانه می‌دانیم. این قطعنامه به‌معنای وضعیتی است که در آن سنگ‌ها بسته و سگ‌ها باز می‌شوند. به‌رغم ملاحظات ما در مورد منصفانه بودن این قطعنامه، ما مسئولیت خود را به‌عنوان یک کشور وظیفه‌شناس عضو سازمان ملل می‌پذیریم و به مفاد آن پایبند هستیم. در هشت سال گذشته، انصارالله یک محاصره همه‌جانبه را تحمل کرده است که زمین، هوا و دریا را در بر می‌گیرد. یمن به‌رغم مواجهه با این تحریم‌ها و محاصره طولانی مدت، با تکیه بر ظرفیت‌های داخلی خود مقاومت نشان داده است. از زمان آغاز جنگ علیه یمن در سال ۲۰۱۵، انصارالله در ابتدایه ذخایر تسلیحاتی به ارث رسیده از ارتش سابق یمن وابسته بود که عمدتاً وارداتی بود. شایان ذکر است که طی سال‌ها، انصارالله به یک نیروی منطقه‌ای قدرتمند تبدیل شده و به خودکامی در سلاح‌های پیشرفته ساخت داخل دست یافته است.

دیپلماسی

DIPLOMACY



از راست به چپ: آرازات میروزیان، وزیر خارجه ارمنستان، آنتونی بلینکن، وزیر خارجه ایالات متحده آمریکا و جیمز مایکراف، وزیر خارجه جمهوری آذربایجان / منبع: وزارت خارجه آمریکا

چگونه باکو و ایروان از نفوذ در واشنگتن برای تقویت موضع خود در جنگ استفاده کردند

لابی برای قره‌باغ

ارمنستان به روسیه خیلی جدی‌تر شد. برای مثال زمانی که اوایل سال ۲۰۲۲ نیروهای روس در مرزهای اوکراین جمع می‌شدند، در اسنادی که BGR بین سیاست‌گذاران آمریکایی پخش کرد، آمده بود که به درخواست رئیس‌جمهور آذربایجان «نیروهای ارمنی در کنار نظامیان روس برای سرکوب اعتراض‌ها در قزاقستان اعزام شده‌اند.» در یک سند دیگر که براساس قانون FARA ثبت شده است و درست چند روز پیش از آغاز تهاجم روسیه به اوکراین پخش شده بود، آمده است که «آراییک‌هاروتیونیان، رهبر ارمنی‌های قره‌باغ، پیوسته در طول منازعه ناگورنو-قره‌باغ از روسیه حمایت می‌کرد.»

مؤسسه BGR سال ۲۰۱۸ توافقنامه‌ای با یک مؤسسه لابی‌گر دیگر به نام بیکر، دانلسون، بیرمن، کلدول و برکوویتز (بیکر-دانلسون) امضا کرد تا به تلاش‌هایش به نیابت از سفارت جمهوری آذربایجان کمک کند. تحلیل اسناد ثبت‌شده توسط این شرکت براساس تعهدات قانون FARA نشان می‌دهد که فعالیت‌های این مؤسسه به‌صورت ویژه بر عملکرد زیرکمیته وزارت خارجه و عملیات خارجی تحت نظر کمیته تخصیص بودجه مجلس نمایندگان تمرکز داشت. یکی از مسئولیت‌های این زیرکمیته تصمیم‌گیری در مورد بودجه کمک‌های نظامی است که ایالات متحده در اختیار جمهوری‌های ارمنستان و آذربایجان قرار می‌دهد. تلاش‌های لابی‌گری بیکر-دانلسون به دلیل اینکه یک عامل ثبت‌شده خارجی به نام «جیمز دبلیو. دایر» برای این شرکت کار می‌کرد، بسیار مؤثرتر بود، چرا که «دایر» پیش از این ۱۰ سال به‌عنوان مدیر کارکنان کمیته تخصیص بودجه مجلس نمایندگان فعالیت می‌کرد. یکی از فعالیت‌های بیکر-دانلسون، توزیع نامه بین رئیس و اعضای ارشد زیرکمیته وزارت خارجه و عملیات خارجی در کمیته تخصیص بودجه مجلس نمایندگان بود. یکی از این نامه‌ها توسط سه نماینده مجلس به نام‌های پل گوسار، استیو کوهن و جو ویلسون امضا شده بود که دو نفر از آنها عضو فراکسیون آذربایجانی کنگره بودند و در آن از اعضای کمیته خواسته‌شده بود: «اهمیت استراتژیک شراکت ایالات متحده و جمهوری آذربایجان را در واقعیت جدید جهانی، تشخیص بدهید.» تلاش‌های BGR و بیکر-دانلسون تا حدودی در تضمین استمرار کمک‌های نظامی آمریکا به آذربایجان پس از جنگ دوم ناگورنو-قره‌باغ در سال ۲۰۲۰ مؤثر بود. از آن زمان تاکنون، این دو مؤسسه نامه‌های «همکار محترم» را در میان اعضای زیرکمیته وزارت خارجه و عملیات خارجی در حمایت از آذربایجان توزیع کرده‌اند. پیش از تلاش‌ها برای حفظ کمک‌های نظامی آمریکا به جمهوری آذربایجان، مؤسسه BGR برای جلب نظر افکار عمومی با هدف حمایت از آذربایجان در جنگ دوم ناگورنو-قره‌باغ تلاش می‌کرد. این تلاش برای شکل دادن به روایت‌ها، تقریباً همزمان با شروع جنگ آغاز شد. برای مثال در نامه‌ای که روز ۲۸ سپتامبر ۲۰۲۰ مؤسسه BGR در میان سیاست‌گذاران واشنگتن توزیع کرد، به شکل گمراه‌کننده‌ای مسئولیت آغاز جنگ یکسره به ارمنستان گذاشته‌شده بود. در این نامه ادعا شده بود که ارمنستان «اقدام‌های تحریک‌آمیز گسترده‌ای را علیه آذربایجان آغاز کرد و مناطق مسکونی و نیروهای مسلح آذربایجان را هدف قرار داد. در نتیجه گلوله‌باران سنگین روستاهای آذربایجانی ۸ شهروند غیرنظامی کشته و تعداد زیادی دیگر مجروح شدند. ارتش آذربایجان با استفاده از حق دفاع از خود و در راستای حمایت از شهروندان غیرنظامی به شکل اقدام‌های خند حمله، پاسخ داد.» یک‌نامه دیگر که بعداً توسط BGR توزیع شد تا جایی پیش رفت که مدعی شدن نیروهای ارمنستانی «باعث آوارگی گسترده جمعیت آذربایجان شده‌اند.» این ادعاها در حالی مطرح می‌شد که ارمنی‌های ناگورنو-قره‌باغ ابتدا هدف حمله قرار گرفتند و مجبور به ترک خانه‌های‌شان شدند. لازم به ذکر است که در زمان نگارش این گزارش دیگر هیچ مدرکی وجود ندارد که BGR در جنگ رسوم قره‌باغ چنین استدلال‌هایی را به نفع جمهوری آذربایجان انجام داده‌باشد. در واقع آخرین سند ثبت‌شده توسط BGR نشان می‌دهد این مؤسسه استدلال کرده است:

«حمایت از صلح میان جمهوری ارمنستان و جمهوری آذربایجان منافع ملی ایالات متحده آمریکا را تأمین می‌کند.» اثرگذاری جمهوری آذربایجان در آمریکا با کمک قابل توجه اسرائیل مواجه شده است. هرچند ممکن است غیرمحتمل برسد که یک دولت عمدتاً یهودی با یک کشور تقریباً تماماً مسلمان متحد شود، اما پیوند این دو دولت بر مبنای دو سون بن نباشده است: سلاح و نفت. گزارش شده که نزدیک به ۷۰ درصد از کل زرادخانه سلاح آذربایجان بین سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۰ توسط اسرائیل تأمین شده است. این سلاح‌ها شامل بسیاری از تجهیزات می‌شود که جمهوری آذربایجان در حملات اخیر به ناگورنو قره‌باغ استفاده کرده است، از جمله پهپادهای انتحاری. در ازای این کمک‌ها آذربایجان به کمک خط لوله باکو-تفلیس-جیحان نزدیک به ۴۰ درصد از انرژی مورد نیاز اسرائیل را تأمین می‌کند. لازم به ذکر است که این خط لوله سرزمین‌های روسیه و ایران را دور می‌زند؛ موضوعی که پس از آغاز جنگ روسیه در اوکراین اهمیت بیشتری پیدا کرد. آرکادی میل من، سفیر پیشین اسرائیل در آذربایجان در خصوص روابط تل آویو و باکو می‌گوید: «ما شراکت استراتژیک در مهار ایران داریم.» این پیوند بین دولتی در عرصه نفوذ در آمریکا هم نمود پیدا کرده است و دو مؤسسه ثبت‌شده که برای آذربایجان لابی می‌کنند، مؤسسه‌هایی هستند که در لابی هوادار اسرائیل هم نقش پر جسته‌ای دارند. ژانویه ۲۰۲۰ مؤسسه Stellar Jay Communications براساس تعهدات قانون FARA اعلام کرد، در قالب «۳۳۰۰ دلار به ازای هر پروژه» برای سفارت آذربایجان کار می‌کند. این توافقنامه توسط جیکوب کاماراس از طرف Stellar Jay امضا شده است. کاماراس در حال حاضر دبیر جهان یهودی سن دیگو است و قبلاً سردبیر JNS (سندیکای اخبار یهودی) بود. کاماراس مقالات زیادی در خصوص روابط آذربایجان و اسرائیل نوشته است و در حالی که به‌عنوان عامل ثبت‌شده برای جمهوری آذربایجان لابی می‌کرد، تا جایی پیش رفت که یک پادداشت با عنوان «فصله آذربایجان آینه تمام‌نمای قصه اسرائیل است» برای روزنامه جروزالم پست نوشته است. آنگونه که براساس قانون FARA گزارش شده است این مقالات «پروژه‌هایی»

محسوب نمی‌شود. اما لابی‌گران جمهوری آذربایجان فوق‌العاده فعال بودند و توانستند با جمع‌بزرگی از اعضای قدرتمند کنگره رابطه برقرار کنند. یکی از اصلی‌ترین لابی‌هایی که توسط جمهوری آذربایجان استخدام شده است، مؤسسه BGR Government Affairs است که یکی از برترین شرکت‌های لابی واشنگتن محسوب می‌شود. در قرارداد BGR با سفارت آذربایجان در ایالات متحده آمریکا تصریح شده است که این شرکت به عنوان «رابط سفارت در واشنگتن دی سی» عمل می‌کند. تحلیل مؤسسه کوئینسی از اسناد مؤسسه نشان می‌دهد نه تنها این مؤسسه به تعهدات خود عمل کرده است، بلکه خیلی هم بیشتر از آن خدمات داده و در نیمه نخست سال ۲۰۲۳ بیش از هزار بار از طرف دولت آذربایجان با مقام‌های کنگره مکاتبه کرده است. براساس اسناد پرشده توسط این مؤسسه در قالب تعهدات قانون FARA اقدام‌های این شرکت شامل تلاش «برای اطمینان از اینکه هیچ متممی علیه آذربایجان در قانون مجوز دفاع ملی (NDAA) یا بودجه دفاعی سالانه آمریکا) تصویب نشود» و در فرآیند تخصیص بودجه «ادبیات منصفانه در مورد آذربایجان» به کار رود و به‌صورت کلی‌تر لابی‌گران مؤسسه BGR «به سیاست‌گذاران در کنگره در مورد نقشی که آذربایجان به‌عنوان شریک امنیتی آمریکا ایفا می‌کند، آموزش دادند.» به‌عنوان بخشی از تلاش‌های لابی، مؤسسه BGR به نیابت از جمهوری آذربایجان، سرفصل‌های مدنظر سفارت جمهوری آذربایجان را در میان نمایندگان پخش می‌کرد. برای مثال ماه مارس ۲۰۲۳ از نامه‌ای از سوی سفارت آذربایجان پخش شد که در آن نسبت به «تقش فعال ارمنستان در تلاش‌ها برای دور زدن تحریم‌های وضع‌شده علیه روسیه» اشاره شده بود. در آستانه و با آغاز تهاجم روسیه به اوکراین، تلاش‌های BGR و دولت جمهوری آذربایجان برای پیوند دادن

بن فریمن و آترین درسیمونیان

پژوهشگران اندیشکده کوئینسی

آنچه تاکنون از منازعه ارمنستان و آذربایجان و پایان دراماتیک آن در ماه‌های گذشته می‌دانیم، روایتی عمومی است که همزمان باعث شادکامی آذربایجانی‌ها ورنجیدگی ارمنی‌ها شده است اما ریشه‌های کمترشناخته‌شده این منازعه به ایالات متحده آمریکا باز می‌گردد؛ جایی که ارمنستان و آذربایجان نبردی نفس‌گیر برای لابی‌گری و اثرگذاری بر سیاست خارجی آمریکا در این منطقه آشوب‌زده بایکدیگر دارند. آنچه در ادامه می‌خوانید، داستان این رقابت برای لابی‌گری پیش از جنگ‌های دوم و سوم ناگورنو-قره‌باغ در سال‌های ۲۰۲۰ و ۲۰۲۳ است.

ماموران آذربایجان در آمریکا

سال‌های سال بود که جمهوری آذربایجان برای جلب‌نظر واشنگتن تلاش می‌کرد تا از طریق آنچه «دیپلماسی خاویار» خوانده می‌شد، با استفاده از ثروت حکومت نفتی خود کاه‌ماش، مقام‌ها، روزنامه‌نگاران و دانشگاهیان آمریکایی را جذب کند. براساس آماري که از سوی OpenSecret منتشر شده است از سال ۲۰۱۵ تاکنون جمهوری آذربایجان کمی بیشتر از ۷ میلیون دلار از طریق مؤسسه‌هایی که تحت عنوان قانون ثبت‌نام عاملان خارجی (FARA) ثبت شده‌اند، برای لابی‌گری و روابط عمومی هزینه کرده است. این رقم در مقایسه با لابی‌گران قدرتمند خارجی مانند قطر و امارات متحده عربی که هر یک در همین بازه از طریق مؤسسه‌های ثبت‌شده براساس قانون فارا بیش از ۱۷۵ میلیون دلار برای لابی‌گری هزینه کرده‌اند، رقم چندان زیادی